

عبدالرضا فرجیراد**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۰

حجت مهکویی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۲۸

مریم شعبانی***

چکیده

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی، همواره در کانون تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد. در حال حاضر نیز بیشتر کشورهای این منطقه دچار تحولات اساسی مانند خیزش‌های مردمی، تغییر دولت‌مردان، تغییرات در قانون اساسی، سرنگونی روسای جمهور و رهبران و جنگ و درگیری داخلی هستند. این عوامل باعث توجه هرچه بیشتر نظام جهانی به این منطقه بیش از هر زمان دیگر شده است. رشد و توسعه اقتصادی که در هزاره سوم عامل مهم و به‌عنوان گفتمان اصلی مورد توجه کشورها و دولت‌مردان آنها قرار گرفته است، در این منطقه چندان نتوانسته خیز و جهشی ایجاد کند. کشورهای این منطقه که عمدتاً دارای ثروت منابع فسیلی (نفت و گاز) هستند، به نسبت منابع و ذخایرشان، نتوانسته‌اند رشد و توسعه اقتصادی را دنبال کنند. براساس گزارش بانک جهانی، میزان رشد اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۳ میلادی، ۳.۳ درصد بوده است. این مقاله به بررسی وضعیت رشد اقتصادی در این منطقه پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که هرچند رشد اقتصادی در این منطقه وجود داشته، ولی به دلیل بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین نبود یک سازمان منطقه‌ای، رشد اقتصادی از یک ثبات پایدار و مداوم برخوردار نبوده است.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، خاورمیانه، شمال آفریقا، موقعیت ژئواستراتژیک

* عضو هیات علمی گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

** دانش‌آموخته جغرافیای سیاسی و مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی علوم پزشکی شیراز

*** دانش‌آموخته جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲، صص ۴۲ - ۹.

مقدمه

ابهام سیاسی در فعالیتهای اقتصادی و توازن قدرت در اکثر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در طول سال ۲۰۱۲ ادامه داشته است. در این منطقه رشد اقتصادی در ۲۰۱۲ بیش از سطوح رشد در ۲۰۱۰ بود. در این خصوص، میزان تولید ناخالص داخلی با افزایش ۳.۸ درصدی در سال ۲۰۱۲ با ۲.۴٪ در سال ۲۰۱۱ مقایسه شد که تا حد زیادی ناشی از بهبود صادرات لیبی بوده و این رشد، ۱۰.۸ درصد تخمین زده شد. رشد تولید ناخالص ملی (تولید ناخالص ملی) در عراق ۱.۱٪ بود و در سوریه به خاطر تنازعات داخلی این میزان تا ۵٪ می باشد. الجزایر، رشد ۳ درصدی داشته و ایران نیز بیشترین رکود را تجربه کرده و در میان واردکنندگان نفت نیز رشدی حدود ۲.۵٪ در سال ۲۰۱۲ داشته است؛ همه اینها، به خاطر بحران بدهی اتحادیه یورو به صادرکنندگان منطقه‌ای افزایش یافته و مسائل بومی را شکل داده که شامل سرمایه‌گذاری ضعیف در مراکش و مشکلات مالی در اردن و ابهام در وضعیت و ثبات مصر می باشد. تونس نیز با افزایش تولید ناخالص داخلی ۲.۴ درصدی و لبنان نیز به خاطر درگیری‌های سوریه با کاهش ۱.۷ درصدی رشد در سال ۲۰۱۲ مواجه بوده است.

تولیدات کشورهای صادرکننده نفت خام نیز در سال ۲۰۱۲ میلادی افزایش یافت و در این میان واردکنندگان نفت و صادرکنندگان تولیدات صنعتی نیز در میان تنش‌های موجود و بحران اتحادیه یورو ضعیف باقی ماندند. تورم نیز در ایران و سوریه به شدت افزایش یافت و در سایر کشورها به رغم افزایش قیمت جهانی غذا در ۲۰۱۲، نرخ رکود شاخصی را به خود دید. سرمایه در گردش در این منطقه نیز در ۲۰۱۲ کاهش یافت و افت آن ۱۶٪ و برابر ۱۲.۵ میلیارد دلار تخمین زده شد و میزان سرمایه‌گذاری خارجی نیز در منطقه افت داشت و تقریباً در بهترین حالت خود ۷٪ بود. اخبار خوب ورود توریست‌ها به مصر، اردن و تونس نیز نتوانست این منطقه را در سال ۲۰۱۰ نجات دهد. در برآیند منطقه‌ای رشد تولید ناخالص ملی کند بود و به میزان ۳.۴٪ در سال ۲۰۱۳ در لیبی با سرعت به ۳.۹٪ در سال ۲۰۱۴ و ۴.۳٪ در سال ۲۰۱۵ افزایش خواهد یافت. در مصر رشد تولید ناخالص ملی افزایش ۳.۸ درصدی در سال مالی ۲۰۱۴-۲۰۱۳ خواهد داشت و این میزان در سال ۲۰۱۵ به ۴.۷٪ خواهد رسید. تولید ناخالص ملی در اردن و مراکش نیز

در سال ۲۰۱۳ به ترتیب ۳.۳ و ۴.۴ بود و این میزان در سال ۲۰۱۵ به ۵.۴ و ۵.۱٪ خواهد رسید. اقتصاد عراق نیز رشد ۱۳.۵ درصدی را در ۲۰۱۳ تجربه کرده است. این رشد در سال ۲۰۱۵ میلادی، ۸.۵٪ خواهد بود و رشد لیبی نیز در ۲۰۱۳ میلادی ۷.۶٪ بود که به نظر می‌رسد در سال ۲۰۱۵ میلادی به ۵.۱ درصد برسد. در حالی که الجزایر ۳٪ را در سال ۲۰۱۵ ثبت می‌کند و رشد عراق نیز در سال ۲۰۱۳ میلادی، ۰.۶٪ بوده و در سال ۲۰۱۵ میلادی به ۲.۸ درصد افزایش می‌یابد و رشد لبنان نیز در سال ۲۰۱۳ میلادی، ۲.۸ درصد بوده و در سال ۲۰۱۵ میلادی، ۴ درصد خواهد بود.

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی وضعیت رشد اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت اینترنتی پرداخته است. دغدغه اصلی در این مقاله، روند تأثیرات سازمان‌های منطقه‌ای بر رشد و توسعه اقتصادی است که همچنان کشورهای این منطقه از دستیابی به گروه‌بندی منطقه‌ای به دور از آن هستند؛ زیرا وجود یک سازمان منطقه‌ای متشکل از تمامی کشورها به دور از هرگونه چالش، در این محدوده جغرافیایی می‌تواند تحولات و رشد اقتصادی کشورهای این منطقه را تسریع کند. سوال اصلی در این مقاله این گونه مطرح گردیده است که وضعیت رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا چگونه می‌باشد؟

بیان مساله

رشد و توسعه اقتصادی عامل مهم و اصلی برای توسعه و پیشرفت درون کشورها به حساب می‌آید و کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا نیز از این امر مستثنی نیستند. تولید ناخالص ملی در کشورهای در حال توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) در اوایل ۲۰۱۱ به خاطر اختلال فعالیت‌های اقتصادی پیرو بهار عربی و جنبش‌های منطقه‌ای دست‌خوش آسیب شد، اما در ۲۰۱۲ تولید ناخالص ملی منطقه نسبت به سال ۲۰۱۰ رشد یافت و تخمین رشد ۳.۸ درصدی در سال ۲۰۱۲ نیز با کاهش ۴.۲ درصدی سال ۲۰۱۱ معکوس بود. سرنگونی‌های حکومت‌های منطقه در سال ۲۰۱۲ نیز باعث رکود تولید ناخالص ملی لیبی در سال قبل آن شد، اما در اکثر این کشورها، تنش‌ها و ابهامات سرمایه‌گذاری را با تأخیر مواجه کرد و در صحنه‌های گسترده

اقتصاد جهانی کند شده و تمرکز اقتصادی بر توسعه حوزه یورو به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بود که از صادرکنندگان بدون نفت بود. از جمله خطرات و چالش‌هایی که این منطقه را با بحران‌هایی مواجه کرده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. **عدم اطمینان سیاسی:** ابهامات سیاسی و آشوب‌های داخلی خطر کلیدی چشم‌انداز رشد منطقه بوده و تنازعات رو به رشد در سوریه منبع اصلی بی‌ثباتی در منطقه است. اگر بحران سیاسی در سوریه وخیم‌تر گردد، سرریز اقتصادی از سوریه به لبنان، اردن و کشورهای دیگر ممکن است تشدید شود.

۲. **بدهی منطقه یورو و آشفته‌گی در روابط با ایالات متحده:** در منطقه یورو به‌خاطر بدهی آنها به آمریکا، تنش‌های زیادی روابط کشورهای واردکننده نفت را به‌خاطر اهمیت اروپا به عنوان شریک تجاری و منبع سرمایه و توریسم با تهدید مواجه می‌کند و شعله تنش‌های آنها با آمریکا نیز به‌خاطر قراردادهای دوجانبه بحران را افزایش داده و اثرات معکوسی بر رشد اقتصاد جهانی دارد.

۳. **چالش‌های مالی:** به‌رغم تلاش‌های اخیر و طرح‌های موجود در چند کشور برای بهبود ثبات مالی با تقبل اصلاحات شاخص یارانه اصلاحات دیگری نیز این مقاومت را به چالش می‌کشد.

مبانی نظری

مفهوم منطقه و منطقه‌گرایی

واژه «منطقه از ریشه مَطَق، لفظی عربی است به معنای کمر، کمربند، میان‌بند و آنچه بدان کمر کسی یا میان چیزی را بستند. علاوه بر این، به معنای دایره و کره نیز آمده است؛ چنان که در ترکیب منطقه‌البروج به معنای دایره عظیمه فلکی که مانند کمربندی ۱۲ برج در آن واقع شده، به کار رفته است. به همین معنا، ترکیبات دیگری در نجوم قدیم مطرح بوده است؛ مانند: منطقه حرکت (دایره بزرگ میان دو قطب)، منطقه پروین (کمربند پروین)، منطقه جبار (نام سه ستاره که بر کمربند صورت جبار واقع است)، منطقه جوزا (حلقه سه ستاره) و منطقه فلک اعظم و مانند آن. همچنین در جغرافیای کهن و اسلامی، اصطلاح منطقه به هریک از ۵ قسمت بزرگ زمین گفته می‌شد که در میان ۲ قطب و ۲ دایره قطبی و مدار رأس‌السرطان و مدار رأس‌الجدی

قرار داشت، منطقه محترقه (که در وسط آن خط استوا واقع شده)؛ منطقه معتدله شمالی و ... به‌طور کلی، محدوده‌ای مشخص از سطح زمین با یک یا چند عارضه با ویژگی معین (طبیعی یا انسان‌ساخت) که به آن نوعی یک‌پارچگی دهد و آن را از محدوده‌های پیرامونی متمایز سازد. از این‌رو، بر اساس نحوه طبقه‌بندی فضایی، می‌توان از منطقه طبیعی، منطقه فرهنگی، منطقه سیاسی و منطقه اقتصادی یاد کرد.» (سعیدی، ۱۳۸۷، ۷۷۵) منطقه عبارت است از گروهی از کشورها و دولت‌های مجاور هم از نظر جغرافیایی که معمولاً دارای مؤسسات سیاسی و اقتصادی مشترک می‌باشند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ۱۱۴)

از دیدگاه تاریخی، شکل‌گیری سازمان‌های منطقه‌ای و گرایش به سمت منطقه‌گرایی را باید در اروپا دنبال کرد. «نخستین سازمان‌های منطقه‌ای در اروپا شکل گرفتند. بعد از جنگ جهانی دوم بنلوکس به‌عنوان آزمایشگاهی برای ساختمان اروپا به‌وجود آمد. آنگاه، بازار مشترک هسته جامعه مشترکی از کشورهایی شد که پیشتر، رقیب یکدیگر بودند. جامعه اقتصادی اروپا به اتحادیه اروپا با وسعتی دیگر تبدیل گردید و در همان حال، ساختارهای به‌هم پیوسته این مجموعه ژرفای بیشتری به خود گرفتند. امروزه این اتحادیه به نهادی فراملی با ژئوپلیتیک ویژه خود تبدیل شده است. البته همه سازمان‌های منطقه‌ای دارای چنین سرنوشتی نبوده‌اند. آسه‌آن که از کشورهای آسیای جنوب شرقی به‌وجود آمده نیز از جهت اقتصادی قرین موفقیت بوده است. این موفقیت در شرایطی حاصل شده که کشورهای عضو دارای تمدن‌های بسیار گوناگون (بودایی، اسلام، مسیحیت) و دارای اختلافات ارضی بزرگ هستند. با این حال، این اتحادیه به نهادی فراملی تبدیل شد که البته واقعیتهای ژئواکونومیک است و نه ژئوپلیتیک. این ویژگی‌ها در تشکلهای منطقه‌ای دیگر مانند مرکوسور که با موافقت‌نامه اقتصادی میان برزیل، آرژانتین، پاراگوئه، و اروگوئه در سال ۱۹۹۱ میلادی تاسیس شد هم به‌چشم می‌خورند، و یا ال‌نا (۱۹۲۰ میلادی) که متشکل از کشورهای مکزیک، ایالات متحده آمریکا و کاناداست، از آن جمله است. جامعه کشورهای مشترک‌المنافع که بر خرابه‌های اتحاد شوروی شکل گرفت نیز اکثر کشورهای جدا شده از شوروی سابق به جز کشورهای بالتیک را در بر می‌گیرد. (لورو و توال، ۱۳۸۱، ۷۴-۷۵)

نقش‌های اصلی سازمان‌های منطقه‌ای

سازمان‌های منطقه‌ای توانسته‌اند جایگاه خود را در شبکه جهانی همکاری‌های منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای تثبیت نموده و منطقه‌گرایی‌ها در محدوده شمال-جنوب در تغییر چشم‌انداز سیاسی جهان سهیم شده‌اند. اگرچه تحقیق پیرامون نظم بین‌الملل و جامعه بین‌الملل مشکل است، منطقه‌گرایی به موارد بسیار گسترده‌ای مانند ارزش‌های مشترک، حمایت متقابل و همکاری توجه کرده است. سازمان‌های منطقه‌ای در قالب منطقه‌گرایی نقش‌هایی را به خود می‌گیرند. در این بین می‌توان پنج نقش اصلی را برای منطقه‌گرایی بیان کرد:

۱. منطقه‌گرایی در دهه ۱۹۹۰ دولت‌های محلی را تشویق می‌کند که نقش بیشتری را در تامین امنیت منطقه‌ای خود به‌عنوان بخشی از امنیت بین‌المللی و تمرکززدایی در دوران پس از جنگ سرد به‌عهده گیرند؛

۲. سازمان‌های منطقه‌ای به‌دلیل منابع مشترک، مجاورت جغرافیایی و فشارهای سیاسی محلی می‌توانند توافقات بسیار مؤثری را بین دولت‌ها به‌وجود آورند؛

۳. توافقات منطقه‌ای دولت‌ها را به حمایت از یکدیگر در رویارویی با ملی‌گرایی و درگیری‌های قومی در مناطق و دولت‌های ویژه تشویق می‌کند و انگیزه مضاعفی را برای راه حل‌های منطقه‌ای به‌خاطر تجربیات مشترک فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به‌وجود خواهد آورد؛

۴. سازمان‌های منطقه‌ای به‌عنوان سازوکارهایی برای جلوگیری از به حاشیه راندن جنوب در سیاست جهانی ظاهر شده‌اند و می‌توانند همکاری کشورهای جنوب را با شمال تقویت نموده و به استقلال کامل و بی‌نیازی در عرصه اقتصادی و سیاسی نائل آیند؛

۵. سازمان‌های منطقه‌ای می‌توانند به کنترل اقلیت‌ها و مردم مناطق بدون حکومت کمک کنند. حزب ملی گرایان اسکاتلند شدیداً از اتحادیه اروپا حمایت می‌کند؛ زیرا بر این عقیده است که اسکاتلند مستقل می‌تواند در کنار اروپا پیشرفت کند. (داس، ۱۳۸۴، ۵۳-۵۲)

در حقیقت می‌توان این‌گونه بیان کرد که ماهیت خاص دوره جهانی شدن چنین است که حتی کمترین ظرفیت موجود برای برقراری ارتباط با کشورهای دیگر، اثری مثبت بر تصویر

بین‌المللی آن کشور دارد. (Muzaffar, 2008, 16)

تأثیرات نبود یک سازمان منطقه‌ای بر رشد اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

وجود یک سازمان منطقه‌ای چه در قالب هم‌گرایی منطقه‌ای و در قالب گروه‌بندی منطقه‌ای در قرن حاضر از ضروریات اصلی برای توسعه سیاسی - اقتصادی کشورهای هم‌جوار در یک منطقه محسوب می‌شود. اگر اتحادیه اروپا را به‌عنوان یک نمونه بارز از موفقیت سازمان منطقه‌ای در نظر گرفت، می‌توان اذعان نمود که کشورها در مناطق چندگانه دنیا نیازمند یک پیوند منطقه‌ای می‌باشند. بنابراین در پیوندهای منطقه‌ای، گروه‌بندی و هم‌گرایی منطقه‌ای، روندهای اقتصادی و اتحادیه‌های اقتصادی لازم می‌باشد. «در منطقه‌سازی اهمیت ویژه‌ای به روندهای اقتصادی مستقل داده شده است که منتهی به ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی در یک حوزه مشخص جغرافیایی می‌گردد و مهم‌ترین نیروی به‌کار رفته در آن بازارها، تجارت خصوصی، جریان سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری دولت‌ها می‌باشد؛ چنان‌که بالاها، روند هم‌گرایی اقتصادی را در پنج مرحله طبقه‌بندی می‌کند.» (فارسانی، ۱۳۷۷، ۳۲) (جدول شماره یک)

اگر موارد پیشنهادی بالاها را برای شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای قبول کنیم، می‌بینیم که در عصر حاضر این معیارها باعث توسعه کشورها در یک منطقه جغرافیایی می‌گردد، در حالی که در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا همواره یک سازمان منطقه‌ای که عاملی در جهت پیشرفت و توسعه‌یافتگی کشورهای این منطقه باشد، به شکل یک کابوس درآمده است که شاید رهبران کشورها در این منطقه در فکر ایجاد آن به این زودی‌ها نیفتند و یا نباشند، هرچند سازمان‌هایی مانند اکو و شورای همکاری خلیج فارس در این منطقه شکل گرفته، ولی نتوانسته‌اند موفق باشند. از دید تاریخی «منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۱۸۰۰ تحت حاکمیت دولت‌های ایران، عثمانی و مغرب قرار داشت، ولی با هجوم اروپایی‌ها تا جنگ جهانی اول و پس از آن، بیشتر کشورهای این منطقه به صورت کنونی شکل گرفتند. اقتصاد و کشاورزی معیشتی با مالکیت اشتراکی یا قبیله‌ای بر اراضی و سلطه حکام و دولت بر زمین، به‌صورت تیول و اقطاع، به‌تدریج با ورود سرمایه‌داری دستخوش تغییر شد و تا اواخر سده ۱۹ مالکیت خصوصی بر زمین شکل گرفت و کشاورزی معیشتی جای خود را به تولید برای بازار داد. ضمن اینکه رشد جمعیت نیز انبوه دهقانان بی‌زمین را ایجاد کرد و صنایع دستی منطقه هم رو به زوال گرایید و صنایع کارخانه‌ای

پس از آغازی بی‌سرانجام در دهه‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰ میلادی تنها در دو سه دهه پیش از جنگ جهانی اول ساخته شدند. با حضور پررنگ‌تر کشورهای اروپایی در این منطقه، به تدریج اقتصاد منطقه در یک تقسیم کار بین‌المللی و اقتصاد و بازار جهانی وارد و ادغام شد و هریک از کشورهای آن، از یک سو صادرکننده انواع مواد خام و محصولات کشاورزی و از سوی دیگر واردکننده کالاهای ساخته شده اروپاییان شد.» (موثقی، ۱۳۸۷، ۱۸۱-۱۸۰)

بنابراین با توجه به نظام جهانی حاکم در دنیا و شکل‌گیری یک اقتصاد تک‌محصولی برای کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، نبود یک سازمان منطقه‌ای در این محدوده جغرافیایی باعث شکل‌گیری موجی از تنش‌ها و چالش‌های اساسی شده که شاید بتوان گفت این خود یک حالت دور را ایجاد کرده است؛ یعنی مشکلات ساختاری درون منطقه بین کشورها باعث عدم شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای گردیده و این عدم وجود سازمان منطقه‌ای خود نیز به نوعی مشکلات را سال به سال بیشتر کرده و باعث جدایی کشورها از هم گردیده است. در یک بررسی اجمالی در این منطقه می‌توان به این موارد اشاره کرد: «در سال ۱۹۹۰ میلادی ۴۰ میلیون نفر به غایت فقیر یعنی برابر با ۲۱ درصد جمعیت خاورمیانه و شمال آفریقا وجود داشتند، و تعداد فقیران، شامل خیلی فقیرها هم، ۶۰ میلیون نفر؛ یعنی ۳۱ درصد کل جمعیت آن را تشکیل می‌دادند، طبق برآورد بانک جهانی تعداد احتمالی مردم فقیر در منطقه در سال ۲۰۰۰ به ۸۹ میلیون نفر می‌رسید در واقع تعداد فقرا بین سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۸۵ سالانه ۴ درصد و در فاصله سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰ سالانه ۲ درصد افزایش می‌یافت. خاورمیانه از بیشترین جمعیت جوان در سراسر جهان برخوردار است، به گونه‌ای که ۳۸ درصد اعراب، زیر ۱۲ سال سن دارند، حدود ۴۰ درصد اعراب بالغ (۶۵ میلیون نفر) بی‌سوادند که دو سوم آنها زنان هستند، بیش از ۱۰۰ میلیون جوان تا سال ۲۰۲۰ وارد بازار کار خواهند شد که باید به‌طور متوسط سالانه ۶ میلیون شغل برای آنها ایجاد کرد. در سال ۲۰۱۰ تعداد بیکاران ۲۵ نفر بود. یک‌سوم مردم منطقه با درآمدی کمتر از دو دلار در روز زندگی می‌کنند که برای بهبود استانداردهای زندگی، رشد اقتصادی منطقه باید دو برابر شده و از ۳ درصد کنونی، به دست کم ۶ درصد برسد، تنها ۱/۶ درصد جوانان منطقه به اینترنت دسترسی دارند و تنها ۳/۵ درصد زنان دارای کرسی نمایندگی هستند.» (موثقی، ۱۳۸۷، ۲۰۲) با توجه به نقش‌های اصلی که برای سازمان‌های

منطقه‌ای در بحث قبلی گفته شد، مشاهده می‌گردد که نبود یک سازمان منطقه‌ای در این محدوده جغرافیایی، تأثیرات شگرفی بر عدم توسعه‌یافتگی در ابعاد مختلف گذاشته است.

تأثیرات بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بر رشد اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

تحولات و بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و قومی، بر کشورها اثرگذار می‌باشد. در سال‌های اخیر بحران مالی جهانی و جنگ‌ها و درگیری‌هایی که در خاورمیانه و شمال آفریقا اتفاق افتاده، باعث عقب‌گرد و کاهش رشد اقتصادی کشورهای این منطقه گردیده است. ناامنی و درگیری همواره باعث ایجاد اختلال در روند توسعه اقتصادی بوده است. «مطالعه برخی از منازعات و خشونت‌ها از دهه ۱۹۹۰ تاکنون حاکی از وجود رابطه میان نابرابری اقتصادی و پولی و مالی بوده است. برخی معتقدند که یکی از دلایل خشونت‌های فرقه‌ای در یوگسلاوی نابرابری اقتصادی ناشی از شوک نفتی ۱۹۷۳ است؛ بدین ترتیب که نابرابری اقتصادی و تبعیض نژادی درهم آمیخته شد و سرانجام رقابت‌های قومی به منازعات مسلحانه در آن کشور انجامید. بحران نظام پولی و مالی بین‌المللی با امنیت بشری و نیز امنیت بین‌المللی گره خورده است. برنامه توسعه سازمان ملل امنیت بشری را با زنجیره‌ای از امنیت شامل امنیت اقتصادی و مالی، امنیت مواد غذایی، امنیت بهداشتی، امنیت زیست‌محیطی، امنیت فردی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی همراه می‌داند که در نتیجه آن بحران در نظام پولی و مالی بین‌المللی و منطقه‌ای موجب فوران ناامنی در حوزه‌های نامبرده می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که ثبات نظام پولی و مالی بین‌المللی و منطقه‌ای، با امنیت، صلح و توسعه مرتبط است و به‌خطر افتادن آن تهدید در حوزه‌های مذکور به همراه گسترش گرسنگی، فقر، بیماری و تمایل خیل عظیم آسیب‌دیدگان به خشونت برای تصاحب بیشتر منابع است.

در پی بحران مالی جهانی اکثر کشورهای توسعه‌یافته سال ۲۰۰۸ را با عدم رشد اقتصادی سپری نمودند، و در صورت ادامه وضع موجود به سوی رکود اقتصادی حرکت می‌کنند. رشد اقتصادی چین که در سال‌های گذشته دو رقمی و ۱۱ و ۱۲ درصد در سال بود، به‌دنبال بحران مالی جهانی به ۹ درصد رسید و رشد اقتصادی در هند که به ۸ درصد رسیده بود به حدود ۶ درصد

کاهش یافت. کاهش شدید قیمت نفت کشورهای صادرکننده را با مشکلات جدی مواجه کرد. بحران نظام مالی و پولی بین‌المللی زیرمجموعه بحران جهانی اقتصاد است و از همین‌رو بحران مالی به سرعت به بحران اقتصادی مبدل شد. رویکرد سیستمی در بحران جهانی اقتصاد موجب شد که امواج این بحران دیگر لایه‌های اقتصادی چون تجارت، مالیه، سرمایه‌گذاری، بورس، بانک‌داری، بیمه، بازار کالا، کار و خدمات را در بر بگیرد. برای پایان بحران مالی افق کوتاه‌مدتی متصور نیست و این بحران در آینده می‌تواند پیامدهای بیشتری به دنبال داشته باشد؛ از جمله:

۱. بحران نقدینگی و ورشکستگی برخی از بانک‌ها در آمریکا و در دیگر کشورهای مرتبط جهان؛
۲. کاهش ارزش بازارهای اوراق بهادار آمریکا و دیگر کشورهای دنیا؛ به‌علت رکود نسبی، کاهش قیمت نفت، فلزات و کالاهای اساسی؛
۳. زیر سوال رفتن فعالیت مستقل بانک‌های سرمایه‌گذاری؛
۴. کاهش اعتماد نسبت به اصول جهانی نظام مالی، تجاری و اقتصادی؛
۵. نیاز به طراحی روش‌های استفاده از قدرت رونق‌ساز و کار بازار و پوشش دادن در قبال توان تخریب لحظه‌ای؛ و ...

بحران مالی جهان در سال ۲۰۰۸ کاهش سطح تولید ناخالص داخلی در سطح جهانی و کاهش تقاضا برای نفت خام را به دنبال داشت. از سوی دیگر بحران مالی ۲۰۰۸ حداقل به دو دلیل حجم سرمایه‌گذاری در اکتشاف و توسعه میادین نفتی را به شدت کاهش داده است. ۱. کاهش در حجم اعتبارات بانکی و فقدان شرایط مناسب برای دسترسی به سرمایه لازم؛ ۲. کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت به دلیل کاهش تقاضای مورد انتظار برای نفت خام.

بنابر گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، منشاء اصلی افزایش تقاضای نفت خام تا سال ۲۰۳۰ عمدتاً کشورهای در حال توسعه هستند، که چین به تنهایی ۴۳ درصد از این افزایش را موجب خواهد شد و بعد از آن هند و خاورمیانه هریک با ۲۰ درصد در این افزایش تقاضا سهیم هستند. بنابراین تاثیر بحران اقتصادی جهان بر کشورهای خاورمیانه را می‌توان در دو بعد مستقیم و غیرمستقیم بررسی کرد. تاثیرات مستقیم این بحران عبارتند از: الف. بخش سرمایه‌گذاری‌های کشورهای خاورمیانه در غرب و آمریکا؛ ب. اتصال بازارهای خلیج فارس به بازارهای بورس جهانی؛ و پ. تاثیر نوسانات دلار. تاثیرات غیرمستقیم بحران عبارتند از: الف. کاهش سرمایه‌گذاری خارجی؛ پ. کاهش درآمد نفت؛ و پ. کاهش تجارت.» (واعظی، ۱۳۸۸، ۱۸۱-۱۵۷)

یافته‌های تحقیق

خروجی کشورهای در حال توسعه صادرکنندگان نفت در خاورمیانه و شمال آفریقا نزدیک به سطح بهبودی در سال ۲۰۱۰ در زمینه رشد ناخالص ملی در منطقه، این عملکرد در سال ۲۰۱۱ برای صادرکنندگان نفت خام و واردکنندگان آن تغییر مشخصی داشت. برآیند توسعه کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه و شمال آفریقا، ارتباط نزدیکی با این سطح در سال ۲۰۱۰ دارد و بعد از بحران لیبی، این برآیند در آنجا بهتر شده و صادرکنندگان نفت با رشد ۴۶ درصدی تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۲ مواجه شدند. (نمودار شماره ۱) اگرچه به خاطر تنش‌های سال ۲۰۱۱ میلادی، میزان تولید ناخالص ملی برای صادرکنندگان نفت هنوز، ۱٪ کمتر از سال ۲۰۱۰ بود. این بحران در سال ۲۰۱۱ عمیق‌تر شد و تولید نفت خام با ۱۰۷ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۱ که با ۱۰ هزار بشکه کمتر از تولید نفت در آگوست همان سال رسید. در نوامبر سال ۲۰۱۲ تولید نفت خام به ۱۰۵ میلیون بشکه بر طبق داده‌های سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) رسید. در عراق تولید ناخالص ملی نیز رشد ۱۱ درصدی را در ۲۰۱۲ داشت و این میزان در سال ۲۰۱۱ نیز حفظ شد و تولید و سرمایه‌گذاری در نفت خام گسترش یافت و رشد تولید ناخالص ملی در الجزایر نیز رشد سریع ۳ درصدی در سال ۲۰۱۲ داشت. این میزان در سال ۲۰۱۱ میلادی، ۲۰۵ درصد بود. در سایر کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت، تولید ناخالص ملی کاهش یافته و در سال ۲۰۱۲ ایستا ماند.

با این حال، در بسیاری از دیگر کشورهای در حال توسعه منطقه که صادرکنندگان نفت هستند، تولید ناخالص داخلی کاهش یافته است و یا در همین حالت در سال ۲۰۱۲ باقی ماند. براساس برآوردهای اولیه، تشدید درگیری‌های داخلی در سوریه منجر به سقوط تولید ناخالص داخلی در حدود یک پنجم گردیده است، اما با توجه به بی‌اعتمادی‌ها در سطح بخش داده‌ها، دلالت دارد که برآورد تولید ناخالص داخلی سوریه در معرض عدم اطمینان قابل توجهی است. تولید ناخالص داخلی ایران به میزان متوسطی حدود یک درصد در سال ۲۰۱۲ به دلیل اجرای محکم تحریم‌های بین‌المللی؛ از جمله ممنوعیت در خرید نفت توسط اتحادیه اروپا در اواسط ۲۰۱۲ و مسدود ساختن دارایی‌های مالی موجود ایران و معاملات توسط ایالات متحده و بریتانیا

در اوایل همان سال، قطع و کاهش در تولید نفت خام، و تشدید عدم تعادل در اقتصاد کلان باعث تورم بالا گردیده است. طبق اطلاعات آپک، در نوامبر ۲۰۱۲، تولید نفت خام ایران تا ۲/۷ میلیون بشکه در روز افت کرد؛ یعنی یک چهارم کمتر از میانگین ۳/۶ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۱ میلادی بوده است. تولید ناخالص داخلی یمن در سال ۲۰۱۲ بدون تغییر باقی ماند؛ زیرا به دلیل تنش‌های داخلی، تولید با مشکل مواجه شد.

رشد تولید نفت خام در مناطق در حال توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۲ کند شد. همراه با رشد و تولید ضعیف‌تر، کشورهای در حال توسعه تولیدکننده نفت این منطقه، همچنین رشد کمتری از حجم تولید را ثبت کرده‌اند؛ اگرچه افزایش صادرات در لیبی و عراق با کاهش صادرات نفت ایران و الجزایر جبران شد. در حالی که کاهش صادرات در ایران به سخت شدن تحریم‌ها نسبت داده می‌شود، اما به نظر می‌آید کاهش در رشد صادرات نفت الجزایر به دلیل افزایش تقاضای داخلی برای بنزین که به علت افزایش اتومبیل بوده است، ارتباط داشته باشد. در یمن، موقعیت امنیتی ضعیف و حمله به لوله‌های گاز و نفت در طول سال ۲۰۱۲، باعث نوسانات صادرات در این کشور شد. (نمودار شماره ۲)

عملکرد اقتصادی کشورهای واردکننده نفت در سال ۲۰۱۲

عملکرد اقتصادی کشورهای واردکننده نفت در سال ۲۰۱۲ به علت عدم اطمینان داخلی، در حالت رکود باقی ماند. رشد ناخالص داخلی در کشورهای واردکننده نفت در خاورمیانه و شمال آفریقا به عنوان یک منطقه در حال توسعه در سال ۲۰۱۲ در حالت رکود باقی ماند؛ طبق برآوردها ۲.۵ درصد برای سال ۲۰۱۲ در مقایسه با ۲.۴ درصد در سال ۲۰۱۱ بدون تغییر بود. در حالی که مشکلات داخلی نقش مهم و قابل توجهی را در عملکرد اقتصادی نسبتاً ضعیف واردکنندگان نفت بازی می‌کرد؛ بادهای مخالف خارجی از جمله بحران بدهی در منطقه اروپا (بزرگ‌ترین شریک اقتصادی منطقه) در کاهش شدت صادرات و جریان‌های سرمایه‌گذاری سهم داشت. در مصر که در میان واردکنندگان نفت در منطقه، بزرگ‌ترین اقتصاد را دارد، رشد ناخالص داخلی در یک سال مالی منتهی به سال ۲۰۱۲ میلادی، از ۱.۸ درصد در سال مالی گذشته به آرامی به

۲.۲ درصد ارتقاء یافت. اما تداوم عدم اطمینان داخلی و ناآرامی در ماه‌های پایانی ۲۰۱۲ منجر به عملکرد ضعیف سال تقویمی شد؛ تونس بعد از اینکه در سال ۲۰۱۱ یک تنزل خارجی را تجربه کرد، در سال ۲۰۱۲ به رشد رسید. اما رشد مراکش از ۵ درصد در سال گذشته به ۳ درصد در سال ۲۰۱۲ رسید که بخشی از آن به علت کاهش بیش از انتظار در بخش برداشت‌های کشاورزی بود. به‌رغم مشکلات لوله‌های گاز که در مشکلات مالی سال ۲۰۱۲ سهم داشت، در اردن تولید ناخالص داخلی به آرامی تا برآورد ۳ درصد در سال ۲۰۱۲ شتاب یافت که این بالاتر از ۲.۶ درصد در سال ۲۰۱۱ بود. رشد تولید ناخالص داخلی لبنان تا ۱.۷ درصد در سال افت کرد، در حالی که سرریزهای اقتصادی به دلیل کشمکش‌های داخلی سوریه در طول سال شدت یافت. با انعکاس و بازتاب کشمکش‌ها در کشورهای واردکننده نفت، تاثیر بحران اقتصادی اروپا بر روی تقاضای صادرات منطقه، تولید صنعتی برای گروهی از واردکنندگان نفت تا ۹.۸ درصد سالیانه تا ماه سپتامبر رسید. (نمودار شماره ۳) به‌رغم کاهش متمادی در تولید، واردکنندگان نفت در سه ماهه اول سال ۲۰۱۲ در مقایسه با همین زمان در سال ۲۰۱۱ میلادی ۴.۵ درصد بالاتر بود که با دوره مشابه در سال ۲۰۱۰ در یک سطح قرار داشت. کاهش تولیدات صنعتی در مصر تا نیمه دوم سال ۲۰۱۲ ادامه داشت، که در سه ماه تا ماه اکتبر در مقایسه با سه ماهه قبلی ۱۷.۹ درصد بود. اما تولیدات صنعتی در اردن و مراکش در سه ماهه سوم رو به بالا رفت، که برحسب محاسبات سالیانه در هر دو کشور ۳ درصد بود. در تونس با کاهش تنش‌های داخلی، رشد تولیدات صنعتی در سه ماهه سوم در مقایسه با سه ماهه دوم با شتاب به ۱۴.۱ درصد رسید، اما تولیدات صنعتی در سه ماهه اول در مقایسه با مدت زمان مشابه در سال ۲۰۱۱ تنها ۱.۶ درصد بالاتر بود. رکودهای اقتصادی گسترده در اروپا برعکس بر عملکرد صادرات منطقه در حال توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا تاثیر گذاشت. اما به نظر می‌آید صادرات در برخی کشورها بالا رفته است. حجم صادرات کالا در سه ماه تا جولای ۲۰۱۲، زمان بعد از تجدید تنش‌های بدهی اروپا به ۱۴ درصد رسید، ولی در سه ماهه سوم تا ۹.۹ درصد بالا رفت. مصر کاهش حجم صادرات ۱۰ درصدی را در سه ماهه جولای تجربه کرد، اما در اردن، مراکش و تونس بین ماه‌های سپتامبر و نوامبر به‌شدت افزایش یافت.

تجربیات تورم در کشورهای در حال توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا

تجربه تورم در کشورهای در حال توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا، چندین عامل را منعکس می‌کند؛ اختلال در عرضه که از ناآرامی‌های داخلی یا کمشکش‌ها ناشی می‌شود که نسبتاً به واردات غذا (و در میان واردکنندگان نفت، نفت خام) کمک‌های مالی برای سوخت و غذا و توان ضعیف فروش به علت فرسایش درآمدها در کشورهایی که عدم ثبات اقتصادی را تجربه می‌کنند، مربوط می‌شود؛ تورم در ایران و سوریه در سال ۲۰۱۲ روند افزایشی داشت. (نمودار شماره ۴) در ایران براساس برآورد اداره آمار، نرخ تورم در ماه دسامبر ۲۰۱۲ به ۳۷ درصد رسید (۲۷.۴ درصد برای ۱۲ ماهه منتهی به سال). تحریم‌ها در ایران باعث شد که در بازار سیاه ارزش ریال ایران در برابر دلار آمریکا نزول یابد یعنی از ۱۲۵۰۰ به ۳۵۰۰۰ در اکتبر ۲۰۱۲ در مقایسه با دلار آمریکا رسید. در سوریه به دلیل درگیری‌های داخلی، تورم به‌طور ناگهانی از ۱۵.۴ درصد در ژانویه به نزدیک ۵۰ درصد در سپتامبر ۲۰۱۲ رسید. درگیری‌ها در سوریه موجب شد که میزان تورم در لبنان نیز تاثیر بپذیرد. در بخش‌هایی که ساکنین سوری‌ها حضور داشتند، قیمت‌های اجاره افزایش یافت و منجر به درگیری شد.

با وجود اینکه قیمت مواد غذایی در نظام بین‌الملل در تابستان ۲۰۱۲ به دلیل موج خشکی در آمریکا و موج گرما در روسیه افزایش داشته، در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا وابستگی به واردات مواد غذایی به شدت بالا است. (نمودار شماره ۵) این امر در طول سال‌ها باعث تشدید تورم در خاورمیانه و شمال آفریقا و دیگر کشورها شده که باعث اهمیت کمک مالی و بدهکاری برای این کشورها شده است. براساس برآورد بانک جهانی، با وجود واردات زیاد، وابستگی در کشورهای در حال توسعه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا باعث گذر از متوسط میانگین جهانی و پول داخلی کشورهای این منطقه شده است که مشابه میانگین دیگر مناطق است. شکست عراق در جنگ با آمریکا در شتاب آهنگ تورم سالیانه اثرگذار بوده است. در الجزایر، تورم ایجاد شده در اکتبر باعث شد ارزش مواد غذایی افزایش یابد، ولی در نوامبر این تورم متعادل گردید. در مصر با هدف اشتغال و رشد مکمل‌های غذایی و سوخت و مغلوب کردن خواسته‌های داخلی، میزان تورم تا ۴.۳ درصد افت کرد. اما در اکتبر تورم دوباره تا ۵.۶ درصد در سپتامبر

افزایش یافت. در مراکش فقر غذایی در محصولات و یک تحول در واردات دانه‌های غذایی داشت که به دلیل وزن زیاد و یارانه آنها بود. به هنگام افزایش تورم، تنها در یک سال ۱.۶ درصد و آن هم در نوامبر افزایش یافت. مشابه آن، با توزیع گاز طبیعی در اردن که از مصر فراهم می‌شد و جانشین کردن آن باعث شد تا قیمت‌ها افزایش یابد.

افزایش رشد گردشگری در سال ۲۰۱۲

با کمک وجوه ارسالی توسط مهاجرین، میزان متوسط رشد گردشگری در سال ۲۰۱۲ افزایش یافت. مهاجران برای کمک به خانواده و دوستان خود پول می‌فرستادند. در زمان درگیری‌ها و اختلافات داخلی، جریان ارسال پول باعث رشد و توسعه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شد. طبق آمار بانک جهانی، این جریان در سال ۲۰۱۱ به میزان ۶.۳ درصد بود که در سال ۲۰۱۲ به ۸.۴ درصد افزایش یافت. این افزایش قوی جریان‌ها در مصر به میزان ۲۶ درصد در سال ۲۰۱۲ و در حدود ۱۸ میلیون دلار بود؛ هرچند تجربه دیگر کشورها در این زمینه متفاوت است. برای مثال جریان ارسال پول در اردن ۲.۲ درصد بود در حالی که این جریان در تونس ۹.۸ درصد و در مراکش به ۳.۳ درصد سقوط کرد. همچنین در سال ۲۰۱۲ به دنبال بازگشت توریست به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نیز بود. سطح توریست در آن زمان نسبت به سال ۲۰۱۰ بهبود زیادی یافت. طبق آمار سازمان جهانی توریسم، وارد شدن توریست به منطقه بین شرق و شمال آفریقا (شمال شرق آفریقا) در سال ۲۰۱۱ حدوداً به ۷.۵ درصد افزایش پیدا کرد که در نیمه اول ۲۰۱۱ در مقایسه با دوره مشابه سال قبل آن ۳.۵ درصد افزایش داشت. توریست وارد شده به منطقه خاورمیانه در نیمه اول ۲۰۱۲ به کمتر از ۱ درصد افزایش یافت که به دلیل تداوم بحران داخلی در چندین کشور دیگر بود. در شمال آفریقا ورودی‌های توریسم در نیمه اول سال ۲۰۱۲ سریعاً به جای اول برگشت و حدوداً به ۱۰.۵ درصد رسید و سود بسیاری نصیب کشورهای مصر، تونس و اردن از ورود توریسم شد. جریان‌های مالی در کشورهای در حال توسعه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نشان می‌دهد که در ۲۰۱۲ در مقایسه با سطح سال ۲۰۱۰ ضعیف باقی مانده است.

این جریان‌های عمده ویژه به وجود آمده در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، بحران و آشوب بدهی‌های بومی را در چندین کشور ایجاد کرد. در سال ۲۰۱۱، هر دوی اینها (بحران و آشوب بدهی‌های بومی) به صورت مساوی تجربه شکست را به میزان سقوط و کاهش سهم کناره‌گیری سرمایه‌گذاری‌ها در منطقه به همراه داشتند، این کاهش تا سال ۲۰۱۲ ادامه داشت و تخمین زده شد که عمده جریان‌های خصوصی سقوطی بیش از ۱۶ درصد داشته است که حدود ۱۲/۵ میلیون دلار بوده است. این بدهی‌های داخلی عمده تردیدهای داخلی را ایجاد کرد و در چندین کشور باعث ایجاد آشوب شد. (جدول شماره ۱) جریان‌های سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه، گرچه به کمتر از ۷ درصد در سال ۲۰۱۲ سقوط کرد، اما افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران و صادرات مواد نفتی خام آن را جبران و همچنین استخراج توسط دیگر کشورهای صادرکننده نفت را نیز جبران کرد. در کشورهای مهم نفت‌خیز، قسمت‌هایی از مصر و لبنان با جریان سرمایه‌گذاری‌های خارجی برخی پروژه‌ها در بخش غیرنفتی شکست خورد؛ برای مثال بسیاری از پروژه‌های غیرنفتی مثل ISUZU در تونس در سال ۲۰۱۲. اشاره می‌کنیم به شرکت‌های خارجی که پیش‌بینی می‌شود بتوانند فرصت‌های بازار را بسط و گسترش دهند، اما بسیاری از پروژه‌های سرمایه‌گذاری دست نخورده باقی می‌مانند و همچنین نرخ تردیدها و نامعلومی‌های دیپلماسی و آشوب‌های داخلی آن را عقب نگه می‌دارد.

پیش‌بینی می‌شود که رشد تولید ناخالص ملی در کشورهای در حال توسعه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از ۳/۸ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۳/۴ درصد در سال ۲۰۱۳ رسیده باشد (جدول شماره ۲ برای پیش‌بینی منطقه‌ای و جدول شماره ۳ برای پیش‌بینی کشوری). به‌دنبال بهبود بسیار زیاد در سال ۲۰۱۲، رشد تولیدکننده‌های نفتی باعث بازگشت به شرایط قابل تحمل‌تری در سال ۲۰۱۲ می‌شود. هم‌تراز با افزایش بیشتر تولیدات خام نفتی در عراق و لیبی و کمتر شدن آن در الجزایر در حالی که خروجی آن در ایران و سوریه شکست خورده باقی مانده است، در کشورهای واردکننده نفت پیش‌بینی می‌شود رشد تولید ناخالص ملی به‌صورت متعادل‌تری ادامه پیدا کند، همان‌طور که در بی‌اعتمادی داخلی در چندین کشور همراه با خروجی ایستا و بدون حرکت در منطقه اتحادیه اروپا و تقاضای ضعیف و صادرات ضعیف برای

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، قدرت برگشتن به جای اول فعالیت‌های اقتصادی را نداشته باشد. پیش‌بینی می‌شود رشد تولید ناخالص ملی به ۴.۳ درصد در سال ۲۰۱۵ افزایش یابد. نفوذ منفی، رشد بی‌اعتمادی و آشفتگی در طول دوره پیش‌بینی به همراه انتقال و تغییر سیاست و دیپلماسی از طرف بیشتر مسئولین و آموزش دستورالعمل‌های مهم در پایان دوره همچنان وجود دارد. همان‌طور که بی‌اعتمادی‌های منطقه‌ای شدیدتر می‌شود، رشد جهانی در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۴ نیز شدیدتر می‌شود، بازسازی شالوده‌ها و سرمایه‌گذاری خصوصی، فعالیت صنعتی و فعالیت‌های گوناگون اقتصادی ممکن بود و انتظار رشد، هم در توسعه صادرات نفتی و هم واردات نفتی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می‌رود. پیش‌بینی می‌شود برای تمام کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، تجارت و جریان سرمایه‌گذاری‌های پیش از موعد کم شود و بحران داخلی در منطقه به‌صورت قابل توجهی مطرح شود.

چشم‌انداز تیره و ضعیف کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت و بی‌اعتمادی در داخل اروپا

پیش‌بینی می‌شود رشد تولید ناخالص ملی برای توسعه گروهی واردکنندگان نفتی به‌صورت متعادل درآید، و در سال ۲۰۱۳ به ۳.۵ درصد برسد و انتظار می‌رود وضعیت اقتصادی مناطق مرزی این گروه بهبود یابد. اما تداوم بی‌اعتمادی‌ها مانع از رشد سرمایه‌گذاری‌های خصوصی می‌شود در حالی که وضعیت سست و ضعیف در درآمدهای بالا در اروپا در سال ۲۰۱۳ تابع وضعیت تقاضا برای مناطق صادرکننده نفت بوده است. در مصر تولید ناخالص داخلی رشد داشته و پروژه‌ها با ۲.۶ درصد افزایش در سال مالی ۲۰۱۳-۲۰۱۲ که در ژانویه ۲۰۱۳ به پایان رسید همان‌طور که بی‌اعتمادی‌های سیاسی جایگاه ذخیره‌ای را خراب می‌کند، آشوب‌های داخلی به‌صورت منفی فعالیت‌های اقتصادی را تحت تاثیر و فشار قرار می‌دهد. پیش‌بینی می‌شد در اردن رشد تولید ناخالص ملی به‌طور متعادل به ۳.۳ درصد در سال ۲۰۱۳ افزایش داشته باشد. همان‌گونه که ضعف‌های داخلی و تقاضاهای خارجی بر روند رشد تاثیر می‌گذارند در مغرب پیش‌بینی می‌شد که رشد اقتصادی به ۴.۴ درصد در سال ۲۰۱۳ افزایش یابد و انتظار می‌رفت با بازگشت به وضعیت نوسان محصولات کشاورزی و تقویت نیازهای اقتصادی بومی، شکل معلق داشته باشد. به علاوه

پیش‌بینی می‌شد رشد تولید ناخالص ملی در لبنان در سال ۲۰۱۳ به ۲.۸ درصد برسد که نسبت به تمام کشورهای واردکننده نفت در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ضعیف‌تر بوده است. تا حدودی به‌دلیل ناآرامی‌ها در کشور همسایه سوریه، گردشگری و دیگر خدمات صادرات رشد منفی داشته است. رشد لبنان نیز افزایش ۴ درصدی را در سال ۲۰۱۳ تجربه کرد و تونس نیز این تنش‌ها را ادامه داده و چالش‌های ساختاری رشد شاخصی را در این زمینه حاصل ساخت. رشد تولید ناخالص ملی تونس در سال ۲۰۱۳ تقریباً ۳.۲٪ بود و با افزایش تنش‌های منطقه‌ای در طول زمان رشد تولید ناخالص ملی در برخی از کشورهای واردکننده نفت بعد از پایان این تنازعات به ۴.۷٪ افزایش یافت. در مصر پیش‌بینی شده با موافقت برنامه بنیادین سال ۲۰۱۳ و آزادسازی روابط چندجانبه و برنامه‌های چندجانبه تخریب زیادی را بر تعادلات خارجی رقم زده و باعث کاهش اصلاحات مالیات و یارانه شد و در صورت طرح‌ریزی موقعیت مالی برای بخش خصوصی دچار زیان می‌شد و رشد مصر نیز پیش‌بینی شد که در ۲۰۱۴، ۳.۸٪ باشد و در ۲۰۱۵ به ۴.۷٪ برسد. پیشرفت‌ها در جهت سیاست‌های اقتصاد کلان نیز منجر به کاهش عوارض ریسک سرمایه‌گذار و منجر به سودآوری سرمایه‌گذاری خصوصی در دوره‌های متوسط شد.

تولید ناخالص ملی در کشورهای در حال توسعه و صادرکنندگان نفت با نرخ کندی افزایش یافت، اما در سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ سرعت رو به رشدی به‌خود خواهد گرفت. برای گروه صادرکنندگان منطقه رشد تولید ناخالص ملی با افزایش کند ۳.۳ درصدی در سال ۲۰۱۳ همراه شد، اما با افزایش تولید نفت خام در لیبی و کاهش آن در ایران و ابهام قضیه سوریه بر این بحران افزود و بعد از رشد فزاینده تولید ناخالص ملی لیبی در سال ۲۰۱۲ با کشف میدان‌های نفتی و تولید نفت خام این میزان به سطح سال ۲۰۱۱ رسید و پیش‌بینی می‌شود برآیند اقتصادی آن رشد کمتری داشته باشد، اما رشد ۷.۶ درصدی آن تا سال ۲۰۱۳ باقی بماند. توالی ابهامات امنیتی خطراتی را برای چشم‌انداز رشد لیبی به همراه داشت و رشد تولید ناخالص ملی در عراق در سال ۲۰۱۳ میلادی به ۱۳.۵٪ افزایش یافت و سرمایه‌گذاری‌های بیشتری بر ظرفیت اضافی در حال توسعه انجام شد و تولید نفت خام افزایش یافت. اما زیرساخت‌ها و گفتمان درباره توافقات بخش‌گردنشین این کشورها و نگرانی‌های امنیتی، موانعی را بر سر راه توافق در ظرفیت تولید

حاصل ساخت و در دوره‌هایی به‌طور متوسط تولید نفت خام عراق به بیش از ۳ میلیون بشکه در روز در اواخر سال ۲۰۱۴ خواهد رسید و این میزان در ۲۰۱۵، ۴ میلیون بشکه در روز خواهد بود و در سال ۲۰۲۰ به ۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. این گفته‌ها بر اساس پیش‌بینی سازمان انرژی اتمی است و سود آنها باعث افزایش قیمت نفت و تداوم وضعیت موجود و افق‌های پیش‌بینی با سرعت تدریجی تقاضای بین‌المللی همراه خواهد شد.

تولید ناخالص داخلی در ایران تحت‌تاثیر روند آرام سال ۲۰۱۳ و ۰/۶ درصد در نتیجه تحریم‌های بین‌المللی قرار داشت و افت آن بر فعالیت‌های اقتصادی رشد، نشان داد که به‌رغم این رشد کند، فضا برای سیاست‌های محرک به دوره رکود در سال ۲۰۱۲ محدود شده و تورم بالا را در نظر نداشت. رشد تولید ناخالص ملی ایران براساس پیش‌بینی با افزایش ۳ درصدی در سال ۲۰۱۵ می‌رسد که اثر فاکتورهای اقتصادی و خارجی کاملاً بر دامنه عملکرد اقتصادی ایران در طول زمان اثرگذار است و بعد از کاهش تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۱۲ رشد سوریه نیز مبهم ماند و تنازعات داخلی این کشور وارد سال ۲۰۱۳ شد. در نتیجه فاکتورهای زیادی بر رشد تولید ناخالص ملی این کشورها اثرگذار بودند و کشورهای تولیدکننده نفت حوزه خاورمیانه باعث افزایش پیش‌بینی و افق چشم‌انداز به بیش از ۴/۱٪ در سال ۲۰۱۵ می‌رسد.

انتظار می‌رود که سرمایه در گردش خصوصی در دوره سال بعد پیوسته مانده و سرمایه‌گذاران خارجی ترغیب به سرمایه‌گذاری نشوند و این وضعیت ادامه یابد. جریان سرمایه خصوصی در کشورهای در حال توسعه خاورمیانه و شمال آفریقا، افزایش ۱۷ میلیونی در سال ۲۰۱۳ داشت، اما این گردش به‌طور شاخصی کمتر از سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ بود. چون ابهامات و تنش‌هایی در بزرگ‌ترین واردکنندگان نفت و بعضی از صادرکنندگان، سرمایه‌گذاری خارجی را کم کرده بود و در دوره متوسط پیش‌بینی سرمایه در گردش خصوصی در سال ۲۰۱۵ تا ۳۰ میلیارد دلار افزایش می‌یابد و به سطح سال ۲۰۱۰ می‌رسد که به‌ویژه در صنعت توریسم و تولید باعث رشد بخش‌های نفت و گاز نیز می‌شود. جریان سرمایه خصوصی به مصر به احتمال زیاد در آینده نزدیک با توجه به تنش‌های حل نشده داخلی، ضعیف باقی می‌ماند، اگرچه در سال بعد از پیش‌بینی، سرمایه‌های خارجی در توسعه دادن صادرات نفتی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، از آنها این انتظار می‌رود که

افق رو به جلویی را داشته باشند همان گونه که تولیدکننده‌ها افزایش ظرفیت را دنبال می‌کنند؛ در حالی که ریزش سرمایه‌های خارجی در بخش غیرنفتی این کشورها افزایش خواهد یافت؛ به گونه‌ای که آنها کوشش می‌کنند تا وابستگی به درآمد نفتی را کاهش دهند و پایه‌های صنعتی‌شان را تنوع بخشند در عراق پیش‌بینی می‌شود که سرمایه‌های قابل توجه خارجی، اجازه یابند اهداف بلندپروازانه تولید نفت خام را پی‌گیری کنند در الجزایر با یک افزایش تقاضای داخلی انرژی مواجه شده که پیش‌بینی می‌شود سرمایه‌های خارجی بزرگ‌تر در زمینه اکتشافات و تصفیه و پالایش بخش‌های نفت و گاز را جذب کند و به‌خوبی توانایی‌های خود را برای جذب سرمایه در بخش غیرنفتی دنبال کند و در عین حال تنوع بیشتری در اقتصادش داشته باشند.

نتیجه‌گیری

در جهان قرن بیست‌ویک، نیاز جوامع و کشورها به یک ثبات منطقه‌ای جهت تامین هرچه بیشتر منافع ملی، مستلزم وجود روابط حسنه در منطقه و نظام بین‌الملل می‌باشد، که بتوان بر اساس آن منافع جوامع و کشورها هرچه بهتر و بیشتر تامین شود. تامین منافع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، ... همگی در دنیای کنونی نیازمند روابط دوجانبه یا چندجانبه کشورها در منطقه و بین کشورهای جهان می‌باشند. به‌ویژه کشورهایی که در یک حوزه جغرافیایی دارای علایق مشترک هستند، نیازمند به ارتباط می‌باشند. در جهان ژئواکونومی و نظم نوین جهانی که ابرقدرت‌ها هریک به زعم خود تعریفی از آن دارند، دستیابی به یک هم‌گرایی منطقه‌ای ضروری به نظر می‌رسد. (مهکویی و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۲۹-۱۲۸)

دورنمای رشد منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در برابر ترکیبی از مشکلات داخلی و جهانی آسیب‌پذیر است. کلید اصلی خطرات داخلی در یک نگاه بیرونی، تداوم بی‌اعتمادی‌های سیاسی و ادامه دادن بحران‌های داخلی است که می‌توانند اثرات منفی بر اجرای فعالیت‌های اقتصادی داشته باشند؛ دیگر خطرهای شامل عدم امکان به‌سازی نتایج در بهبود مسائل مالی است که ناشی از ساده کردن گرفتاری‌های آنها با کمک مالی و افزایش قیمت سوخت و اثر گذاشتن بر آن می‌باشد. یک تاخیر و درنگ در آینده مصر می‌توانست کمک کند به پرداخت‌هایی که پیچیده

بودند و می‌توانستند برای به دست آوردن یک تعادل در دشواری‌های مفروض در پرداخت‌ها باشد که کاملاً سطح پایینی را اختصاص داده بود. در عراق وضعیت نامشخص امنیتی هنوز با پایین‌ترین حد خطرپذیری مطرح است. پیشرفت ناهم‌آنگ و مقررات سوختی در سوریه رکود اقتصادی را به همراه دارد. در ایران منابع بی‌ثباتی و سستی در منطقه قابل توجه است. به‌عنوان یک خطر خارجی، ادامه دادن بحران‌های مالی در ایالات متحده آمریکا تهدید بدون فاصله برای رشد جهانی را بیان می‌کند و این گردش برای اجرای فعالیت‌های اقتصادی از توسعه دادن کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا است. برنامه فرض شده‌ای که یک برنامه رسانه‌ای دوره‌ای قابل باور برای ترمیم شرایط مالی در آمریکا است و اجازه وام گرفتن به دولت‌ها را می‌دهد، تا پایان فوریه ۲۰۱۵ منعقد شده است. یک پیشنهاد مطرح شده است که سقف بدهی‌های کوتاه‌مدت را بالا برده و بی‌اعتمادی قابل توجه باقی مانده در رابطه با آینده سیاسی مالی و محاسباتی است که می‌تواند ۲.۳ درصد ارزش تولید ناخالص ملی آمریکا را که وابسته به خط‌مشی‌های اصلی است اصلاح کند و رشد جهانی را تا ۱.۶ درصد کاهش دهد. توسعه رشد منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می‌تواند ۸٪ درصد پایین‌تر از سنجش سال ۲۰۱۳ با خط‌مشی اصلی باشد. ادامه بحران بدهی ناحیه یورو در طول پیش‌بینی‌ها می‌تواند ناسازگار با تأثیرات واردات نفتی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا باشد. تا زمانی که اروپا بزرگ‌ترین شرکت و مهم‌ترین منبع سرمایه‌گذاری و ارسال پول برای منطقه (MENA) باشد، این تأثیرات پابرجا هستند.

یک خطر ریشه‌ای خارجی دیگر، امکان سقوط شدید قیمت نفت خام است که در مقایسه با خط‌مشی پرداخته شده است؛ یک سقوط شدید در قیمت‌های مواد خام نفتی بین‌المللی که نتیجه‌اش ضعیف‌تر کردن رشد اقتصاد جهانی و ادامه دادن تنگناهای مالی آمریکا با دیگر حوادث پیش‌بینی نشده است. سود و محاسبات مالیاتی و وضعیت پرداختی رایج از واردات نفت می‌تواند به صادرات نفت ضربه بزند در مواقع خاص که صنعت مالی نسبی و اختصاص موانعی است. در حال حاضر یک مذاکره، پیشرفت در قیمت نفت خام برای نتیجه‌گیری از افزایش بحران‌های ژئوپلیتیکی در طول بحران تنگه هرمز، می‌تواند روی محاسبات مالی و تعاملات خارجی بر واردات نفتی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا فشار بیاورد. یک خطر دیگر، ضربه بیشتر به قیمت

مواد غذایی بین‌المللی در سال ۲۰۱۵ است که ادامه توسعه شدید در سال ۲۰۱۲ می‌باشد. واضح است که منابع خارجی مهم، خطری برای این منطقه واردکننده غذایی است. (نمودار ۵) مطابق با اداره پیش‌بینی کشاورزی آمریکا، تدارکات وابسته پیش‌بینی می‌کند که قیمت‌های بین‌المللی می‌توانند به شدت افزایش پیدا کنند، حتی در مواقعی که یک اتفاق می‌تواند یک تکان نسبی و وابستگی مهمی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا ایجاد کند. در واکنش به تکان رو به بالای قیمت بین‌المللی غذا، کاهش تهیه غذای بومی در منطقه و کاهش وابستگی‌های غذای واردات هنوز کلید کاهش خطرپذیری منطقه در طول یک دوره طولانی باقی مانده است؛ اگرچه فشارهای مالی و عدم تطابق در یک دوره کوتاه در ناسازگاری فقیرترین و آسیب‌پذیرترین کشورها می‌تواند به واگذاشتن به هدف بهتری تخفیف داده شود. بنابراین می‌توان گفت که:

۱. کشورهای صادرکننده نفت خام در خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله الجزایر، لیبی، عراق، ایران و سوریه برای تخمین اعتبار و پیش‌بینی‌ها در دسترس هستند و توسعه واردات نفتی در این منطقه شامل کشورهای مصر، اردن، لبنان، مغرب و تونس می‌شود. به علاوه لیبی و عراق، در تراکم منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در این گزارش نتیجه گرفته می‌شود که سازگاری عمده اجرای فعالیت‌های رشد منطقه در این اواخر و در سال‌های پیش رو تخمین زده می‌شود که در ژوئن سال ۲۰۱۲ گزارش دورنمای اقتصادی جهانی منتشر شده است.

۲. در نتیجه سقوط تولیدات نفتی ایران و میزان صادرات نفت عراق که به‌عنوان دومین تولیدکننده بعد از عربستان سعودی در سازمان کشورهای صادرکننده نفت خام (اوپک) مطرح می‌باشد، افزایش یافته است.

۳. سازمان جهانی گردشگری برای خاورمیانه و شمال آفریقا یک دسته‌بندی انجام داده است که دسته‌بندی آن با دسته‌بندی بانک منطقه‌ای برای توسعه کشورها سازگار نیست.

ناگزیر خیزش کشورها در مناطق گوناگون جهان برای ثبات و هم‌گرایی منطقه‌ای، جهت رسیدن به توسعه و پیشرفت در هزاره سوم و عصر جهانی شدن کاملاً مشهود است. از دغدغه‌های اصلی برای کشورها در هزاره سوم که به هزاره توسعه و پیشرفت معروف گشته، توسعه و رشد اقتصادی است. در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، رشد اقتصادی از یک ثبات مداوم

برخوردار نیست. چشم‌انداز اقتصادی این منطقه در معرض خطرات جدی جهانی و منطقه‌ای قرار دارد. با توجه به روابط مالی و تجاری نزدیک اروپا با این منطقه، درآمد بالای اروپا رابطه مستقیمی بر کشورهای این منطقه داشته و بحران بدهی یورو نیز رشد این کشورها را تحت تاثیر قرار داده‌است.

جدول شماره ۱: روند هم‌گرایی اقتصادی طبق نظر بلا بالاشا

مرحله	ویژگی‌ها و شاخص‌ها
۱. منطقه آزاد تجاری	۱. فقدان هرگونه تعرفه یا سهمیه‌بندی
۲. اتحادیه گمرکی	۱. فقدان هرگونه تعرفه یا سهمیه‌بندی؛ ۲. تعرفه‌های خارجی مشترک
۳. بازار مشترک	۱. فقدان هرگونه تعرفه یا سهمیه‌بندی؛ ۲. تعرفه‌های خارجی مشترک؛ ۳. نقل و انتقال آزاد عوامل تولید
۴. اتحادیه اقتصادی	۱. فقدان هرگونه تعرفه یا سهمیه‌بندی؛ ۲. تعرفه‌های خارجی؛ ۳. نقل و انتقال آزاد عوامل تولید؛ ۴. هماهنگی سیاست‌های اقتصادی
۵. هم‌گرایی تمام عیار اقتصادی	۱. فقدان هرگونه تعرفه یا سهمیه‌بندی؛ ۲. تعرفه‌های خارجی مشترک؛ ۳. نقل و انتقال آزاد عوامل تولید؛ ۴. هماهنگی سیاست‌های اقتصادی؛ ۵. وحدت در سیاست‌گذاری و وجود نهادهای سیاسی و اقتصادی

منبع: فارسانی، ۱۳۷۲، ۳۲

جدول شماره ۲: جریان سرمایه خالص به خاورمیانه و شمال آفریقا (میلیارد دلار)

سال شاخص	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
جریان سرمایه	۲۳.۷	۳۰.۹	۳۱.۴	۱۵.۸	۱۳.۱	۱۹	۲۴.۴	۳۲.۴
جریان خالص خصوصی‌سازی	۲۵.۴	۲۸.۴	۳۰.۲	۱۴.۸	۱۲.۵	۱۷.۳	۲۲	۲۹.۵
جریان خالص کیفیت	۳۰	۲۷.۵	۲۴.۲	۱۵.۲	۱۳.۳	۱۶	۱۹.۲	۲۴.۹
جریان خالص سرمایه‌گذاری خارجی	۲۹.۶	۲۶.۳	۲۲.۳	۱۵.۴	۱۴.۳	۱۵.۵	۱۷.۹	۲۳
جریان خالص حقوق صاحبان سهام	۴	۱.۲	۲	-۲	-۱	۵	۱.۳	۱.۹
اعتباردهندگان خصوصی، خالص	-۴.۶	۹	۵.۹	-۴	-۸	۱.۳	۲۸	۴.۶
سهام	-۸	۱	۳.۲	-۶	-۱.۱	-۷	۵	۱.۸
بانک‌ها	-۶	-۱.۳	-۹	-۰.۲	-۲	-۸	۸	۱.۴
جریان بدهی‌های کوتاه‌مدت	-۱.۹	۳	۴.۵	۹	۲.۳	۲۸	۱.۵	۹
دیگر خصوصی‌سازی‌ها	-۱.۳	-۱	-۸	-۶	۰	۰	۰	۵
جریان رسمی، خالص	-۱.۷	۲.۴	۱.۳	۹	۶	۱.۷	۲.۴	۲.۹
بانک جهانی	-۳	۹	۸	۹	-۲			
صندوق بین‌المللی پول	-۱	-۱	۰	-۱	۱			
دیگر سازمان‌ها	-۱.۳	۱.۶	۴	۱	۷			

پیش‌بینی = f - World Bank. Source:

جدول شماره ۳: خلاصه پیش‌بینی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا - (تغییرات سالانه به درصد)

سال	شاخص	۲۰۰۹ ⁱⁱ	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴ ^f	۲۰۱۵ ^f
تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار		۲.۹	۲.۸	-۲.۴	۳.۸	۳.۴	۳.۹	۴.۳
	تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار ^c	۴.۳	۲.۸	۱.۵	۲	۲.۴	۳.۳	۴
	GDP (به دلار آمریکا)	۲.۸	۱.۲	۰	-۱.۳	.۹	۱.۸	۲.۵
PPP GDP ^d		۴.۳	۲.۶	۱.۴	۰	۲.۲	۳.۱	۳.۸
مصرف خصوصی		۴.۳	۱.۴	۲.۴	۱.۳	۲	۳.۵	۳.۸
مصرف عمومی		۲.۶	۲.۹	۵.۵	۳.۸	۴.۳	۴.۱	۳.۹
سرمایه‌گذاری ثابت		۶.۴	.۶	۳.۴	۱.۱	۳.۸	۴.۸	۵.۶
صادرات، (GNFS ^e goods and non-factor (services)		۴.۲	۲.۲	۰	-۴.۶	۴.۶	۵.۶	۶.۹
	واردات، GNFS ^e	۷.۲	۱	۱.۷	۴.۱	۴.۷	۶.۲	۷
صادرات خالص، کمک به رشد		-۶	.۴	-۶	-۳	-۱	-۳	-۲
حساب جاری bal/GDP (%)		۵.۳	۱.۳	۳.۷	۱	.۶	.۴	.۳
تغییل کننده GDP توسط، (LCU)		۵.۹	۸.۴	۱۰.۵	۷.۵	۶.۲	۵.۴	۵.۱
تعادل مالی GDP (%)		-۱	-۳	-۸	-۷	-۴.۹	-۲.۶	-۱.۷

پیش‌بینی = f Source: World Bank.

جدول شماره ۳.۱: میزان تولید ناخالص ملی در خاورمیانه و شمال آفریقا

سال	منطقه		۲۰۰۹ ^۸	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴ ^۹	۲۰۱۵ ^۹
منطقه جغرافیایی خاورمیانه ^۱			۳.۸	۳.۱	۱.۸	۴.۴	۳.۶	۳.۹	۴.۱
کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس ^۲			۳.۶	۳.۵	۶.۳	۵.۱	۳.۸	۳.۹	۳.۸
کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت			۳.۶	۲.۲	-۵.۲	۴.۶	۳.۳	۳.۷	۴.۱
کشورهای در حال توسعه وارد کننده نفت			۴.۵	۳.۷	۲.۴	۲.۵	۳.۵	۴.۴	۴.۷
مصر			۴.۴	۳.۵	۲	۲.۴	۳.۲	۴.۳	۴.۷
بایه سال مالی			۴.۳	۵.۱	۱.۸	۲.۲	۲.۶	۳.۸	۴.۷
ایران			۴.۶	۱	۱.۷	-۱	۶	۱.۶	۲.۸
الجزایر			۳.۴	۳.۳	۲.۵	۳	۳.۴	۳.۸	۴.۳

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲

- a. فواصل میان نرخ رشد بیش از به‌طور متوسط گسترده است، متوسط سهم رشد، نسبت و تعدیل کننده‌ها به‌عنوان میانگین وزنی سالانه برای منطقه محاسبه شده است؛
- b. تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار و قطعات مصرفی به دلار آمریکا در سال ۲۰۰۵ اندازه‌گیری شده است؛
- c. زیر منطقه مجموعاً، به استثنای عراق و لیبی، محدودیت داده‌ها از پیش‌بینی اجرای تولید ناخالص ملی با تراز پرداخت‌ها و جزئیات جلوگیری می‌کند؛
- d. تولید ناخالص ملی براساس نرخ ارز PPP اندازه‌گیری شده است؛
- e. صادرات و واردات کالاها و خدمات غیرعامل؛
- f. منطقه جغرافیایی شامل کشورهای با درآمد بالا بحرین، کویت، عمان، امارات متحده عربی و عربستان سعودی است؛
- g. کشورهای منتخب شورای همکاری خلیج فارس: بحرین، کویت، امارات متحده عربی، عمان و عربستان سعودی است.

جدول شماره ۴ : وضعیت و پیش‌بینی میزان تولید ناخالص ملی در برخی از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا

۲۰۱۵ ^f	۲۰۱۴ ^f	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹ ^g	سال کشور
۴.۳	۳.۸	۳.۴	۳	۲.۵	۳.۳	۳.۴	الجزایر تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه٪)
۲.۸	۴.۱	۴.۷	۷	۱۰.۳	۷.۳	۲۲.۳	مصر تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه٪)
۴.۷	۴.۳	۳.۲	۲.۴	۲	۲.۵	۴.۴	پایه سال مالی تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه٪)
۴.۷	۳.۸	۲.۶	۲.۲	۱.۸	۵.۱	۴.۳	حساب جاری تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه٪)
-۳.۲	-۳.۵	-۳.۶	-۳.۱	-۲.۳	-۲	۱.۱	جمهوری اسلامی ایران تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه٪)
۲.۸	۱.۶	۶	-۱	۱.۷	۱	۴.۶	حساب جاری تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه٪)
۵.۴	۶.۳	۷.۶	۸.۳	۱۲	۶.۷	۶.۶	عراق تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه٪)
۸.۵	۱۱	۱۳.۵	۱۱.۱	۹.۹	۸	-۱	اردن تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه٪)
۸.۲	۶.۸	۵.۸	.۱	۷.۹	-۱.۸		حساب جاری تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه٪)
۴.۵	۴	۲.۳	۳	۲.۶	۲.۳	۶.۱	حساب جاری تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه٪)
-۱۲.۱	-۱۲.۷	-۱۳.۳	-۱۴.۷	-۱۲	-۷.۱	-۴.۴	حساب جاری تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه٪)

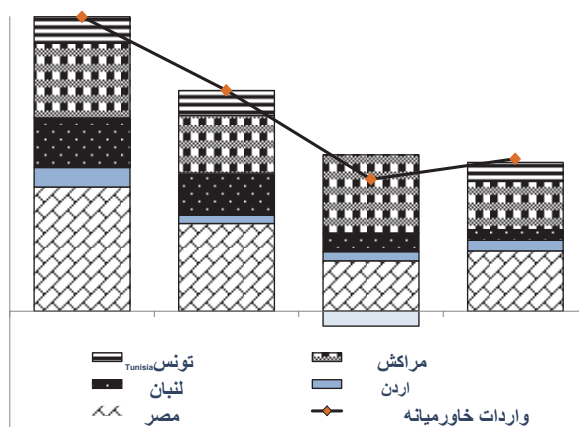


۴	۳.۸	۳.۸	۱.۷	۳	۷	۴.۴	لبنان تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه /٪) حساب جاری bal/GDP (%)
-۱۷.۹	-۱۸.۵	-۱۹.۴	-۲۰.۱	-۲۱.۴	-۲۰.۴	-۱۶.۸	لیبی تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه /٪) حساب جاری bal/GDP (%)
۵.۱	۵.۸	۷.۶	۱۰.۸	-۶۱.۱	۳.۵	۳.۸	مراکش تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه /٪) حساب جاری bal/GDP (%)
۷.۳	۷.۸	۸.۵	۱۶.۹	-۱۱.۸	۲۲.۶		سوریه تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه /٪) حساب جاری bal/GDP (%)
۵.۱	۴.۸	۴.۴	۳	۵	۳.۷	۴.۶	تونس تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه /٪) حساب جاری bal/GDP (%)
-۶.۷	-۷.۴	-۸.۱	-۹	-۸.۳	-۴.۶	۲	یمن تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (رشد سالانه /٪) حساب جاری bal/GDP (%)
۲.۸	۲.۳	۱	-۲۰	-۳	۳.۲	۴.۶	
-۴.۸	-۵.۴	-۶.۳	-۷.۱	۱.۵	-۶	۲.۷	
۴.۸	۴.۵	۳.۲	۲.۴	-۱.۸	۳	۴.۱	
-۸	-۸.۱	-۸.۴	-۹	-۷.۴	-۴.۸	-۲.۷	
۴.۳	۴.۱	۴	.۱	-۱۰.۵	۷.۷	۳.۵	
-۵.۶	-۶.۱	-۶.۳	-۵	-۵	-۵.۶	۱.۲	

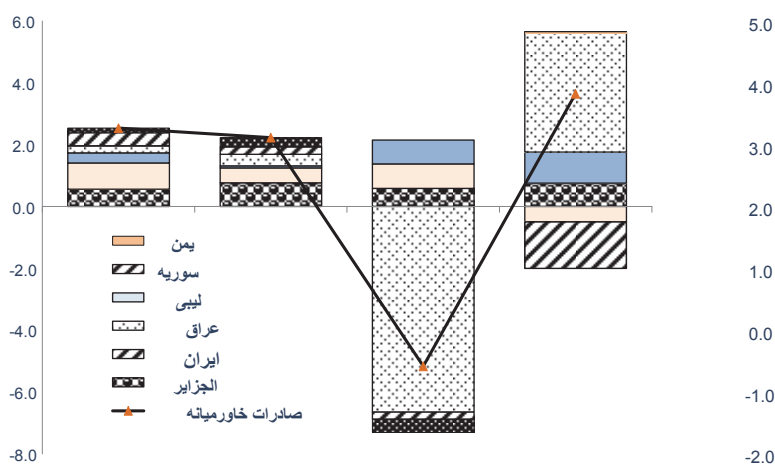
Source: World Bank

نمودار شماره ۱: در میان کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه بهبود شاخص GDP لیبی در ۲۰۱۲ میلادی با تورم شدید در ایران و بحران سوریه همراه شد در حالی که کشورهای واردکننده نفت نیز در بحرانی‌ترین وضعیت تجاری خود قرار داشتند.

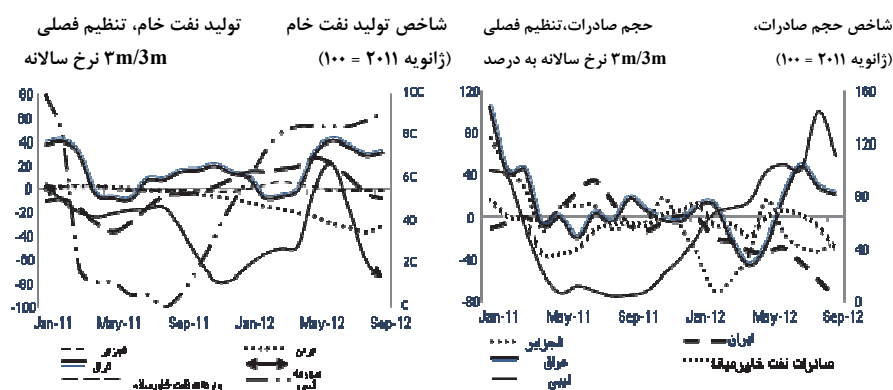
سهم به درصد برای رشد GDP در کشورهای در حال توسعه و وارد کننده نفت در منطقه



سهم به درصد برای رشد GDP در کشورهای در حال توسعه و وارد کننده نفت در منطقه

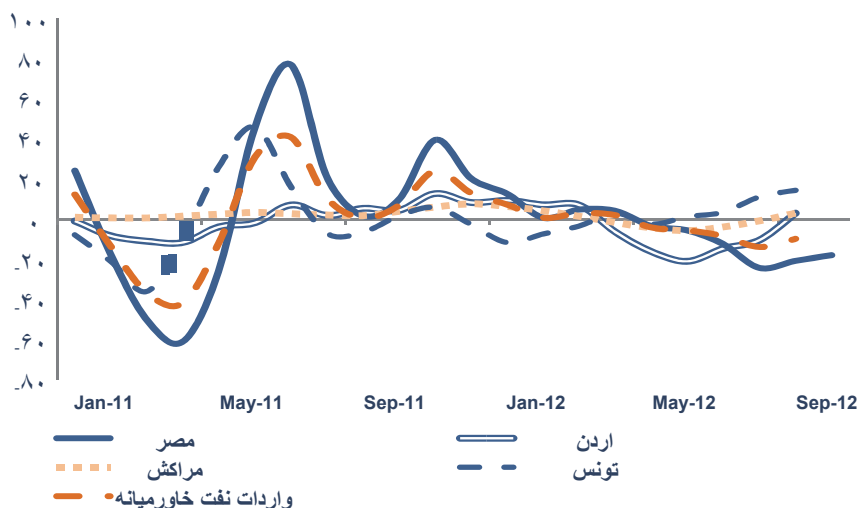


نمودار شماره ۲: حجم صادرات و تولید نفت خام در کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه و شمال آفریقا در طول سه ماهه سوم سال ۲۰۱۲ ضعیف بوده است.



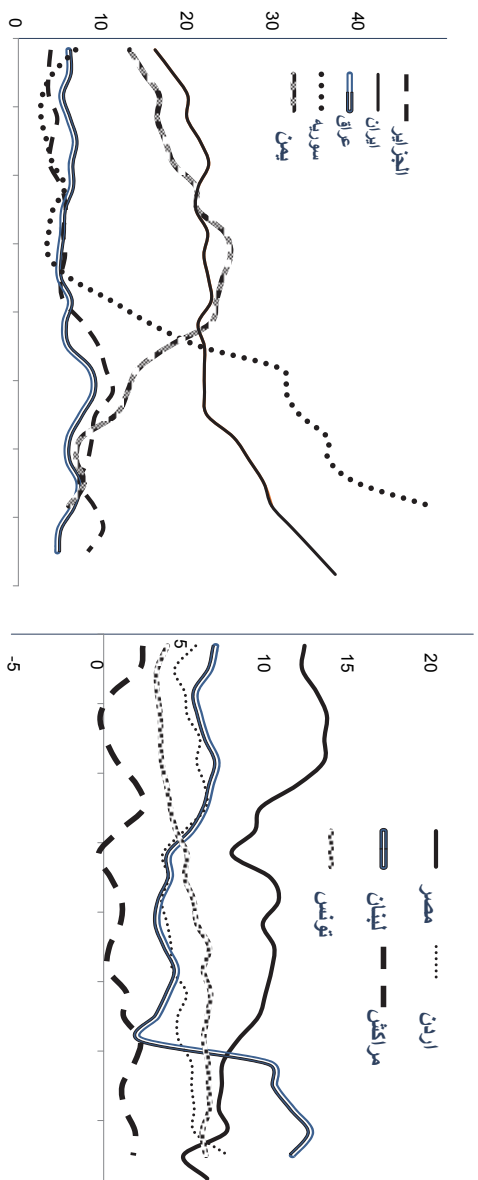
Source: US Energy Information Administration for monthly crude oil production data (accessed via Thomson Reute)

نمودار شماره ۳: تولیدات صنعتی در کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت منطقه، ضعیف باقی مانده است، اما صادرات بهبود یافته است. تولیدات صنعتی، تنظیم فصلی ۳m/3m نرخ سالانه به درصد



Source: World Bank.

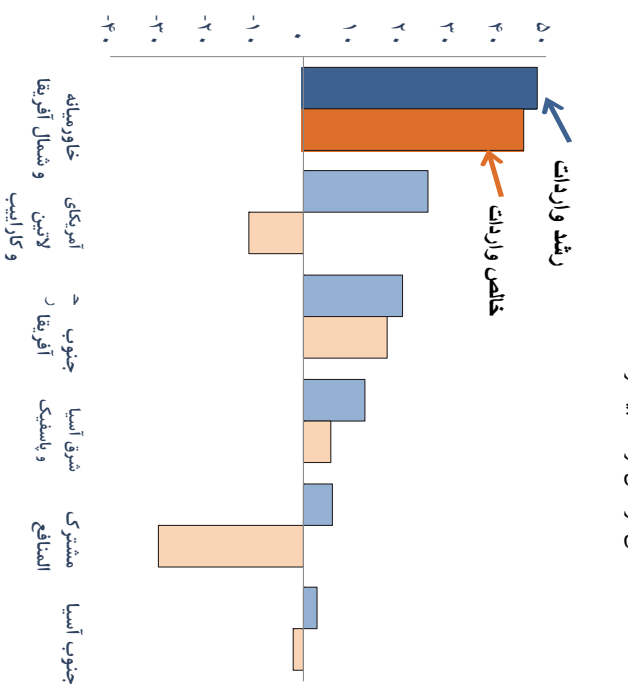
نمودار شماره ۴: تورم سالانه در چند کشور در حال توسعه مشخص خاورمیانه و شمال آفریقا
تورم، سال به سال (درصد)



Source: World Bank

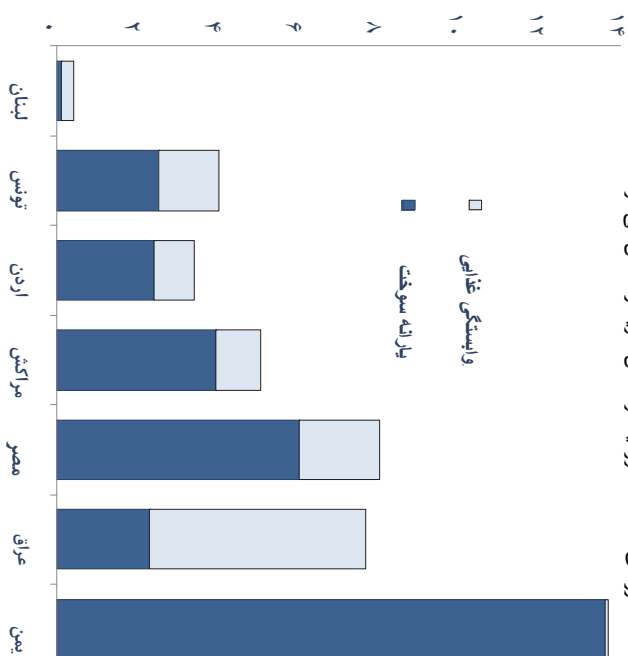
۰۴. برآورد

نمودار شماره ۵: وابستگی به واردات مواد غذایی در خاورمیانه و شمال آفریقا از دیگر مناطق در حال توسعه بیشتر است



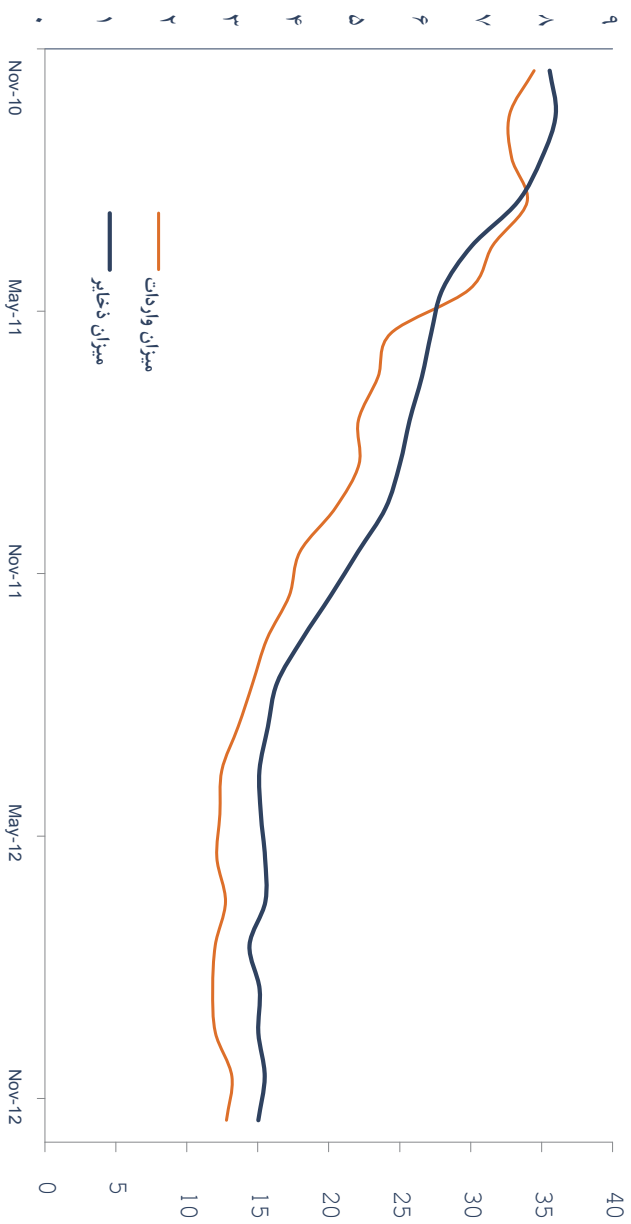
Source: World Bank based on US Department of Agriculture (accessed October 2012).

نمودار شماره ۶: بارانه سوخت سهم بزرگی از تولید ناخالص داخلی در کشورهای مختلف خاورمیانه و شمال آفریقا را شامل می‌شود



Source: "Inclusion, Dignity, and Resilience: The Way Forward for Social Safety Net Reform in the Middle East and North Africa Region", J. Silva, V. Levin, and M. Morgandi, World Bank June 2012.

نمودار شماره ۷: مصر ذخایر بین المللی تثبیت شده در سطح پایینی دارد



Source: World Bank.

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲

منابع و یادداشت‌ها:

۱. توال، فرانسوا و لورو، پاسکال (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک، ترجمه: حسن صدوق و نینی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
۲. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی، چاپ اول.
۳. دادس، کلاوس (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک در جهان متغیر، ترجمه زهرا احمدی‌پور با همکاری عطاءالله عبدی، تهران: انتشارات بلاغ دانش، چاپ اول.
۴. سعیدی، عباس (۱۳۸۷)، *منطقه: دانشنامه مدیریت شهری و روستایی*، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، چاپ اول.
۵. فارسانی، سلیمان (۱۳۷۷)، «تحلیل بر منطقه‌گرایی و نقش آن در حفظ صلح و امنیت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۶. موثقی، سیداحمد (۱۳۸۷)، *اقتصاد سیاسی توسعه و توسعه‌نیافتگی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۷. مهکویی و دیگران (۱۳۹۰)، «ژئوپلیتیک نفت و ایجاد چالش در روابط کشورهای ساحلی خلیج فارس»، مجموعه مقالات هفتمین همایش ملی خلیج فارس، دهم اردیبهشت، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۸. واعظی، محمود (۱۳۸۸)، «بحران اقتصادی جهان، زمینه‌ها، ابعاد و پیامدها»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، سال اول، شماره اول.
9. Muzaffarli, Nazim (2008), "Central Asia and the Caucasus," *Journal of Social and Political Studies*; Guam: from a Taetieal Alliee to Strategic Partnership, 3-4 (51-52).
10. Silva, J.; V. Levin, and M. Morgandi (June 2012), "Inclusion, Dignity, and Resilience: The Way Forward four Social Safety Net Reform in the Middle East and North Africa Region," *World Bank*.